

ایلام

درس هفتم: محبت نفع خود را نمی جوید

PATIENT



Street



درس هفتم: محبت نفع خود را نمی جوید

• خوش آمد گویی : ۵ دقیقه

با نوجوانان، گرم و صمیمی همراه با لبخند روبرو شوید. اگر شخص جدیدی بعنوان نو ایمان یا مهمان برای اولین بار در این جمع حضور داشت، خوشامد مخصوص در نظر گرفته شود. بطور مثال شخص جدید را به نام در جمع معرفی کنید و از نوجوانان نیز بخواهید تا خود را یک به یک معرفی کنند و در همین ابتدا خوب خواهد بود که با توجه به شناخت خود از نوجوانان، آنها را با بیان یک جمله کوتاه محبت کنید تا متوجه شوند که بودن آنها در جمع برای شما مهم است و شما به علایق و رفتار آنها توجه دارید.

• گپ و گفت خودمانی: ۱۵ دقیقه

در این قسمت می توانید با طرح سوال، نوجوانان را به سوی موضوع این هفته هدایت کرده و یا آنها را به چالش دعوت کنید. در این گپ و گفت اجازه بدهید تا نوجوانان کاملاً در امنیت نظرات خود را بیان کنند و شما بیشتر شنونده باشید و به آنها توجه کنید، تا در طول تعلیم بتوانید با توجه به نظرات آنها، نتیجه را طبق کلام خدا جمع بندی کنید. میتوانی با این سوالات شروع کنید:

- ۱- اگر قرار باشد یک نفر یا جمعی را محبت کنید آیا در ابتدا به دنبال نفع شخصی خود هستید و یا در پی منفعت رساندن به طرف مقابلتان؟ مثال بزنید
- ۲- منفعت خواهی را در جملات کوتاه توضیح دهید.

• تعلیم : ۱۵-۲۰ دقیقه

مقدمه

در این قسمت برای جمع بندی نظرات نوجوانان، به تعریف بعضی از خصوصیات شخص منفعت طلب خواهیم پرداخت:

- منفعت طلب بودن یعنی خود محور و خود بین بودن.
- انسان منفعت طلب فقط خود و خواسته هایش را میبیند و تنها علایق خودش مهم است و این صفتی منفی میباشد.
- افراد منفعت طلب و خود خواه دوستان زیادی نخواهند داشت و این افراد خود را برتر از دیگران میپندارند و هرگز کاری را که برای شخصی انجام میدهند، فراموش نخواهند کرد و هرباره محبت خود به دیگران را به رخ آنها میکشند.

شهادت زندگی برادر فرشید فتحی:

لطفاً در گفتن این شهادت کاملاً امین باشید.))

برادر فرشید فتحی در سال ۱۳۵۸ در تهران متولد شدند و توسط برادر بزرگترشان که به مسیح ایمان آورده بودند در سن ۱۷ سالگی قلبشان را به مسیح دادند و بعد از یکسال شروع به خدمت خداوند کردند، ایشان محل کار خود را ترک و برای کمک به زلزله زدگان بم، به آن شهر رفتند و مدتی در آنجا خداوند را خدمت کردند. ایشان بعد از تحصیل در دانشکده الهیات، شبان کلیساهای خانگی در ایران بودند.

سال ۱۳۸۹ در ایران، جفا بر کلیساهای فارسی زبان زیاد شد، جمع بسیار زیادی از عزیزان ایماندار و شبانان و خادمین را دستگیر کردند. ماموران دولتی یک روز صبح به خانه یکی از اقوام برادر فرشید رفته بودند، ایشان هم در آنجا حاضر بودند، ولی بطور معجزه آسایی در مقابل ماموران از ان خانه خارج شدند، تا دختر خود را به مدرسه ببرند. دختر ایشان تنها ۷ ساله بود، برادر فرشید وقتی دختر خود را به مدرسه گذاشتند به او گفتند که خیلی دوستت دارم ولی شاید مدتی نتوانم تو را ببینم و بعد خود را به ماموران معرفی کردند تا دلسردی در دیگر ایمانداران ایجاد نشود و باعث دلگرمی عزیزان دستگیر شده باشند و آنها بدانند که در سختی تنها نیستند. ایشان به فکر خواهر و برادرهای ایمانی خود بودند. میدانستند که با معرفی خود به ماموران، برخی از آنها آزاد خواهند شد.

نکته مهم:

وقتی برادر فرشید از خانه اقوام خود بیرون آمدند، آگاه شدند که جمع بسیار زیادی از شبانان را دستگیر کرده اند و میدانستند جمعی از خواهران و برادران ایماندارشان در جفا و سختی هستند و ایشان این فرصت را داشتند که خیلی راحت از کشور، به همراه خانواده خود، خارج شوند ولی ایشان به دنبال نفع شخصی خود نبودند که دیگر ایمانداران در جفا باشند و او خود از کشور خارج شود. در نهایت ایشان ۵ سال را در زندان سپری کردند و بعد از ۱۰ سال توانستند دختر ۱۷ ساله خود را ملاقات کنند.

متن تعلیم

در طی هفته های گذشته در مورد محبت آگاپه صحبت کردیم و در این جلسه از این که «محبت نفع خود را نمی جوید» صحبت خواهیم کرد. در زندگی عیسی مسیح در پی نفع شخصی نبودن، بطور بارز در رفتار او نمایان است. به چند مثال از آن توجه کنید. شما می توانید شاگردان را به ۴ گروه تقسیم کنید و ۴ آیه زیر را به گروهها بدهید تا در مشارکت باهم، جاهایی که عیسی نفع خود را مطالبه نکرد و به فکر دیگران بود را پیدا کنند:

گروه اول:

متی باب ۸ آیه ۱-۴

مربوط به مربی: عیسی بعد از یک زمان طولانی موعظه در بالای کوه، با درخواست مردی جذامی برای شفا روبرو میشود ولی عیسی با روی گشاده او را میپذیرد و به دنبال نفع شخصی خود نمیباشد و نمی خوانیم که عیسی به مرد جذامی بگوید که خستگی من واجب تر از درخواست تو هست.

گروه دوم:

متی باب ۸ آیات ۲۳-۲۷

مربوط به مربی: شاگردانی را شاهد هستیم که از طوفانی بودن دریا به وحشت افتاده اند، عیسی آن لحظه در قایق خواب بود، آنها عیسی را بیدار کردند، در اینجا هم عیسی به دنبال منفعت خود نیست او خواب خود را رها می کند تا به نیاز شاگردان پاسخ دهد و به آنها نگفت بعد از خوابم به شما رسیدگی خواهم کرد.

گروه سوم:

یوحنا ۶ آیات ۱-۱۶

مربوط به مربی: در این قسمت هم میخوانیم عیسی بعد از مدت زمانی طولانی، که مشغول شفا دادن و تعلیم بود، اما باز هم نفع شخصی خود را دنبال نمیکرد و گرسنگی ۵۰۰۰ نفری که همراه او بودند برایش مهمتر از خستگی و گرسنگی خودش بود، او به فکر تهیه نان و جا برای نشستن مردمان همراه خود بود تا آنها را اینگونه محبت کند.

گروه چهارم:

مرقس باب ۳ آیات ۳۱-۳۵

مربوط به مربی: وقتی مادر و برادران عیسی برای ملاقات او آمدند عیسی باز هم نفع شخصی خود را نخواست و خانواده خود را در اولویت قرار نداد بلکه در پی انجام اراده پدر بود و به جمعی که تعلیمشان میداد توجه کرد تا دیدار خانواده خود.

عیسی تنها برای قشر خاصی از جامعه کار نمی کرد، بلکه تمام مردم، از هر طبقه ای برای او اهمیت داشتند، فقیر، غنی، پیر، جوان، حتی کودکان، همشهری و غیر همشهری و هر طبقه ای از مردم برای عیسی در الویت بود.

در کل اناجیل کارهای بسیار زیادی از عیسی را مشاهده می کنیم که در پی بدست آوردن نفع شخصی خود نبوده است.

بارزترین و پررنگترین کار عیسی را در انجیل یوحنا باب ۱۳ قسمت شستن پاهای شاگردان میتوان مشاهده کرد.

آنها برای مراسم شام دور هم جمع شده بودند، با اینکه عیسی کاملاً آگاه بود که یهودا او را به سی سکه می فروشد، ولی از شام خوردن خود صرفه نظر کرد تا بتواند شاگردان را محبت کند و پاهای آنها را بشوید و هرگز نفع خود را نجست و با این حال حتی یهودا اسخریوطی را هم محبت کرد.

در فیلیپیان باب ۲ آیات ۴ تا ۸ پولس رسول چقدر زیبا در مورد تنها به فکر خود نبودن و به فکر دیگران نیز بودن و طرز فکر عیسی مینویسد که عیسی نیز با اینکه همذات با خداست از برابری با خدا به نفع خود بهره نجست.

عیسی هم ذات با خدا بود ولی هرگز در پی نفع شخصی خود نبود بلکه آمده بود محبت کند. برای محبت کردن خود را خالی کرده تا بتواند بدون برطرف کردن منافع خود، محبت کند.

۴ راهکار عملی برای اینکه بتوانیم مانند عیسی محبت کنیم:

۱- خالی شدن از خود: در محبت کردن به دیگران لازم است تمام امتیازات بالای خود را آزادانه رها کنیم. در واقع همانند عیسی مسیح که خود را خالی کرد و برای محبت کردن به ما ذات غلام پذیرفت و به شباهت ما در آمد تا بتواند محبت واقعی پدر را به ما نشان دهد، محبتی که نفع خود را نمیپذیرد.

۲- در پی جلال پدر بودن: برای محبت کردن به دیگران باید همواره بفکر اراده و جلال نام پدر بود. عیسی برای انجام اراده پدر همیشه آماده بود بدون اینکه در پی جلال نام خود باشد حاضر شد برای انجام اراده او حتی تا مرگ روی صلیب مطیع گردد و پدر نیز نام او را به غایت سرافراز کرد.

۳- فروتن شدن: در محبت کردن به دیگران لازم است دیگران و خواسته هایشان را از خود برتر بدانیم. همفکر بودن با مسیح یعنی اینکه مثل او بتوانیم دیگران را از خودمان حتی اگر در اوج قدرت هستیم، برتر بدانیم و او که همذات با خدا بود خود را خالی کرد و به شباهت آدمیان در آمد و در طول زندگی خودش بر روی زمین همواره با فروتنی کامل انسان ها را خدمت و محبت نمود.

۴- پر بودن از روح القدس: برای محبت کردن به دیگران باید با پری روح القدس حرکت کرد. ما نمی توانیم محبت کنیم آن هم محبتی که به نفع دیگران باشد، مگر اینکه از روح القدس و قدرت او پر باشیم.

عیسی در فکر خود کاملاً در پی محبت به دیگران بود و نه امیال و منافع شخصی خود.

در متی ۲۶ آیه ۵۳ وقتی قرار بود عیسی را مصلوب کنند او حتی برای اینکه خود را از مرگ برهاند از فوجهای آسمان هم به نفع آزادی و زنده ماندن خود بهره نجست تا اراده پدر به انجام رسد.

عیسی مسیح از خون و جسم خود به خاطر محبت کردن ما گذشت، عیسی میدانست ما با گناهان و اسارتهایمان نمی توانیم شاد و آزاد زندگی کنیم پس جان خود را در اولویت قرار نداد و هرگز در این زمینه هم دنبال نفع خود نبود و هرگز با خود فکر نکرد که ما برای او نفعی داریم یا نه، بلکه او با تمام جان خود ما را محبت کرد و نیاز شاد بودن و حیات جاودان برای ما را برتر از جان خود دانست.

عیسی وقتی در شب آخر با شاگردان جمع شد کاملاً منافع خود را رها کرد او نه تنها نیاز شاگردان بلکه تمام مردم جهان را دید، نیاز به نجات، نیاز به حیات جاودان، نیاز به داشتن شادی و هزاران نیازی که تنها از طریق خون او میسر می شد، پس عیسی هرگز نفع شخصی خود را برای محبت کردن نخواست.

(در این قسمت تعلیم وارد عشا ربانی خواهید شد که حتماً از قبل با شبان کلیسا برای برگزاری مراسم عشا هماهنگ شود)

عیسی وقتی نان را پاره کرد میدانست بدن او برای گناهان ما پاره خواهد شد و وقتی جام را گرفت میدانست که خون او برای گناهان ما ریخته خواهد شد. عیسی منفعت ما را به منافع شخصی خود ترجیح داد.

{ در این قسمت زیر نظر شبان کلیسا مراسم عشا انجام شود }

بحث و گفتگو

قبل از اینکه شما نتیجه تعلیم را برای شاگردان بگویید اجازه دهید آنها نظرات خود را در مورد شهادتی که از برادر فرشید گفتید، بگویند.

۱- اگر شما بجای فرشید بودید چه می کردید؟

۲- در مثالهای فوق از عملکرد عیسی، در کدام مورد اگر در جایگاه عیسی بودید، مانند عیسی رفتار نمی کردید؟

نتیجه گیری

حالا این نتیجه گیری توسط شما مطرح شود:

دیدیم که عیسی در هیچ جا از انجیل به فکر منافع شخصی خود نبود تا محبت کند در محبت کردن اگر قرار بود عیسی خود و منافع خود را جویا شود ما امروز هرگز نجات را نداشتیم، هرگز از اسارتها نجات نمی یافتیم، هرگز روح خدا را نمی یافتیم. پس طلبیدن نفع دیگران از سمت عیسی باعث نجات یک جهان شد حتی کسانی که هنوز به دنیا نیامده اند.

در ابتدا از شهادت زندگی برادر فرشید شنیدیم شاید بعضی از شما باخود فکر کردید که چرا ایشان این کار را انجام دادند و خود را به خطر انداختند ولی شاید اگر ایشان و بسیاری از خواهران و برادران دیگر ما در راه بشارت مسیح و تاسیس کلیساها بدنبال منافع شخصی خود بودند، امروز ما گسترش و رشد کلیساها را در ایران نداشتیم.

• تعمقی در تعلیم و جمله طلایی: ۱۰ دقیقه

از نوجوانان بخواهید تا آنچه را در این تعلیم آموختند در قالب یک جمله طلایی بنویسند.

در این قسمت یک جمله طلایی برای معلم نوشته شده است تا بعنوان مثال جمله طلایی، گفته شود و بعد از نوجوانان بخواهید که جملات خود را به اشتراک بگذارند.

• اگر در محبت کردن دنبال منفعت خود نباشیم می توانیم مثل عیسی عده زیادی را محبت و خدمت کنیم.

• آیه برای حفظ کردن: ۲ دقیقه

فیلیپیان باب ۲ آیات ۶ تا ۹

- **دعا و پرستش: ۸ تا ۱۰ دقیقه**

- چون بنگرم بر صلیبت

- محبت خدا بر صلیب عیسی

- **قدم عملی: ۱۰ دقیقه**

مربی از نوجوانان درخواست کند که قدم های عملی را در هفته آینده تمرین کنند.

کتاب اعمال رسولان را در طی هفته آینده مطالعه کنید و ۳ مورد از اینکه رسولان در چه جاهایی در پی منافع خود نبودند را بنویسید و اثر این غیر خواهی آنها، امروز برای ما چه سودی دارد؟

- **بازی: ۱۰ - ۱۵ دقیقه**

بازی حضوری: مربی تعدادی کاغذ را تهیه کند که وقتی کاغذها را بر روی زمین می چیند از تعداد نوجوانان که بر روی آن می ایستند کمتر باشد و از آنها بخواهید با صدای موزیک دور کاغذها بچرخند و با صدای سکوت خود را روی کاغذها جا دهند و بایستند و هر بار که که تعدادی بیرون می مانند تعدا دکاغذها را هم محدود کنید.

{در پایان بازی به آنها یاد می دهیم که چطور با گذشت و کمی تحمل سختی می توانند راه را برای برنده بودن دیگران باز کنند}

بازی غیر حضوری: اسم و فامیل.